



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۳ - ۹ شعبان ۱۴۴۶
سال بیست‌وششم - شماره ۷۲۲۹ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

حداقل یادداشت ترامپ را یکبار بخوانید

چنین به نظر می‌رسد که افرادی در تهران شاید دچار آلزایمر شده باشند و ترامپ و واقعیت‌های ساختار سیاسی آمریکا را کلاً از یاد برده‌اند و چنان رفتار می‌کنند که گویی تازه با دونالد ترامپ و ایده‌های او مواجه شده‌اند. یادداشت اجرایی ترامپ هر چند ظاهراً فرمان و دستوری دارای ضمانت اجرا نیست، اما روشن می‌کند ترامپ دنبال چیست و در واقع انتظارات او از مسیر مواجهه با ایران را مشخص می‌کند: ۱- هر چند عموم افراد از ترامپ شنیده‌اند که «ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد»، اما مطالعه یادداشت اجرایی نشان می‌دهد او به همین قانع نیست و توقعات زیادی دارد. از جمله «دست نیافتن به موشک فلسطینی قاره‌پیما» که در واقع اشاره‌ای به تعطیل برنامه فضایی ایران است. در ادامه به ضرورت «خنثی شدن» آنچه «شبکه تروریستی ایران» نامیده شده، اشاره شده که می‌دانیم مقصود امر یک‌پایه‌ها از این گونه عبارات، «محور مقاومت» است. عجیب‌تر این است که در ادامه پا را فراتر نهاده و چنین نوشته است: «باید با توسعه موشکی و همچنین سایر تسلیحات و توانمندی‌های نامتعارف و متعارف مقابله کرد.» به‌بیان دیگر توقف توسعه قدرت دفاعی و بازگردنگی کشور هدف اعلامی ترامپ است. ۲- در ادامه این یادداشت وظایفی برای وزیر خزانه‌داری به جهت اعمال فشار اقتصادی حداکثری بر دولت ایران، شامل تحریم و اعمال مکتبسیسم‌های اجرایی علیه دوزنندگان تحریم و نیز صدور هشدارباششی برای بخش‌های تجاری مرتبط شامل کشتیرانی، بیمه و بندر گاهی با مضمون خطرات نقض تحریم‌ها علیه ایران و دوستانش مشخص شده است. وزیر خارجه نیز موظف شده معافیت‌های تحریمی موجود را اصلاح کرده یا بازگرداند و با همکاری وزیر خزانه‌داری صادرات ایران را به صفر رساند و نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل متحد نیز موظف به همکاری با اروپایی‌ها برای فعال کردن مکتبسیسم ماشه شده است.

۳- ترامپ دادستانی کل آمریکا را موظف به برخورد با شبکه‌های مالی و لجستیکی، عوامل یا سازمان‌های صوری مستقر در آمریکا موردحمایت ایران و دوستانش و نیز پیگرد رهبران و اعضای «گروه‌های به‌اصطلاح تروریستی» تحت حمایت ایران کرده است. در ادامه ادعا شده که ترامپ «حمایت دائمی آنها از «تروریسم» به‌ویژه علیه منافع آمریکا را تاب نخواهد آورد» و نیز مدعی شده که «وعده سال ۲۰۲۰ ترامپ را برای مقابله با نفوذ خطرناک ایران در سراسر جهان محقق می‌کند.» در واقع این یادداشت چیزی نیست جز دستورالعملی برای تضعیف مؤلفه‌های اقتدار ملی ایران، قدرت دفاعی، علمی، اقتصادی و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و همه داشته‌های بزرگی که برای ملت ایران بازدارندگی ایجاد کرده و به قول ترامپ، آمریکا را مجبور کرده که ایران را از «۱۹۷۹ [۱۳۵۷] تاکنون تحمل کند.» البته تیم ترامپ که پیش‌نویس این یادداشت را برای او نوشته‌اند، احتمالاً از خود نیرسیده‌اند که چرا کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر، اوباما، بایدن و نیز همین ترامپ در دوره پیشین که همین وعده‌ها را دادند، در انجام آنها همچنان تا‌کام ماندند و مجبور شدند ۴۶ سال این ملت مستقل را تحمل کنند؟ روشن است که این تهدیدهای تراسپ، در عمل چیزی را عوض نخواهد کرد، اما ترامپ نیز به سنت اسلافش آنها را تکرار کرد. شاید به این دلیل که امیدوار است کسانی در تهران باشند که در اثر کهلوت سن یا چیز دیگری دچار فراموشی شده باشند و از یاد برده باشند که این تهدیدها را قبلی‌ها هم کرده‌اند.

در واقع این یادداشت اجرایی خاصیتی ندارد، جز «فشار روانی» و آن فشار حداکثری (maximum pressure) که ترامپ یکبار آن را امتحان کرد و دوباره همان حربه کند را به میدان آورده، چیزی جز برساختن‌ای ادراکی برای تأثیرگذاری بر محاسبات ایرانیان (چه نخبگان و چه عامه مردم) نیست. هدف آن است که ایران با حالت ضعف و تهی از قدرت به پای میز مذاکره بنشیند و امتیاز دهد. برای ترامپی که یکبار برجام را پاره کرد و مؤاخذه نشد، حتی همین که زیان دیده (یعنی ایران) را به پای مذاکره بکشدن یک دستاورد است. یعنی آنکه جای ظالم و مظلوم عوض شده و مظلوم بازهم برای جلب رضایت ظالم امتیاز دهد. مذاکره زیر چماق روانی ترامپ (که البته واقعاً تهی است، اما افراد ساده‌اندیش از آن می‌ترسند) نه تنها آورده‌ای ندارد، بلکه وجود چنین سادهداندیشانی احتمالاً سبب می‌شود هم مؤلفه‌های قدرت ملی ایران تضعیف شود و هم در مقابل عانده‌ای نداشته باشیم. به اینش باید گفت حتی اگر ماهیت آمریکا و ترامپ را که دیده‌اید و تجربه کرده‌اید نیز فراموش کرده‌اید، یک‌بار همین یادداشت اجرایی‌اش را بخوانید. افسوس که «مُتَکَبِّرُ الْبُیْرَةِ وَ اَقْلُ الْاِغْتِبَارِ»

رهبر معظم انقلاب: مذاکره با امریکا مشکلی را حل نمی‌کند، دلیل؟ تجربه

نه هوشمندان نه شرافتمندان

آنچه مشکلات را بر طرف می‌کند عامل داخلی یعنی «همت مسئولان متعهد و همراهی ملت متحد» است

در روزنامه‌ها و فضای مجازی و سخنان برخی افراد، از مذاکره به عنوان یک امر خوب یاد می‌کنند انگار که کسی مخالف خوب بودن مذاکره است



تصویری که یکی از نمادهای پیروزی انقلاب و دلایل آن شد، هرگز قدیمی نمی‌شود و در این ۴۶سال تکرار، تکراری نشده است | صفحه ۲

رئیس‌جمهور آمریکا به مصر پیشنهاد کرده است

رشوه ۲۵۰میلیارد دلاری برای کوچ از غزه

السیسی، رئیس‌جمهور مصر مبلغ مالی ۲۵۰ میلیارد دلار و حل بحران سد النهضة با حفظ حقوق آبی مصر در این سد را در ازای موافقت با کوچاندن فلسطینی‌ها از نوار غزه پیشنهاد داد. بکری تأکید کرد: به هر نحوی شده می‌خواهد غزه را از فلسطینیان خالی کند. مصطفی پافشاری کرد. مصر به تشکیل کشور مستقل فلسطین به پایتختی قدس شرقی با پاینداست. | صفحه ۱۵



«موسی» به روایت ابراهیم

مریلا زارعی: برای من بازی در نقش یوکاید مانند سعی بین صفا و مروه بود

مصطفی‌شاه‌کرمی | خبرنگار گروه فرهنگی

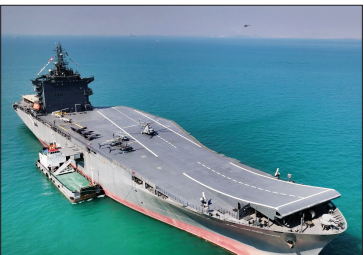
■ «موسی کلیم‌الله» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا و نویسندگی مشترک او و فرج‌الله سلحشور ساخته شده است. این فیلم که با استفاده از فناوری پیشرفته «تولید مجازی» تولید شده، یکی از نخستین تجربیات سینمای ایران در این زمینه به‌شمار می‌رود. موسی کلیم‌الله اولین فیلم روز هفتم جشنواره فیلم فجر بود و با اینکه معمولاً نمایش فیلم اول هر روز جشنواره با حضور نسبتاً کم اهالی نقد و رسانه برگزار می‌شود، اما برخی از فیلم‌هایی که انگیزه حضور در بین اهالی رسانه را بالا می‌برد با سالن پر از جمعیت مواجه می‌شوند که موسی کلیم‌الله یکی از آنهاست | صفحه ۱۶

یادداشت ورزشی

شیوانوروزی | خبرنگار گروه ورزشی

پول همه چیز نیست

هنوز تبعات شکست تیم ایرانی مقابل الهلال ادامه دارد و تلخی ماجرا این است که پرسپولیس تنها تیم بازنده کشورمان مقابل این تیم و دیگر تیم‌های عربستانی نبوده و نیست، منتها هنوز هم مدیران و دست‌اندرکاران فوتبال ما تلاش می‌کنند همه نگاه‌ها را به سمت ریخت و پاش‌های نجومی تیم‌های سعودی جلب کنند و به نوعی نقش مدیریتی در پیشرفت را کمرنگ جلوه می‌دهند. این اولین باخت تیم‌های فوتبال کشورمان به رقیبای عربستانی نبوده است و تا اینجا استقلال و پرسپولیس مقابل آنها مجموعاً سه باخت و یک تساوی داشته‌اند. دیدار آتی قرمزها با النصر نیز هنوز برگزار نشده است | صفحه ۱۳



اقتدار توهمی دشمن چگونه با دستاوردهایی مانند ناو پهپادبر شکسته‌شد

فرمانده کل سپاه: در مقابل تهدید هیچ قدرتی قد خم نمی‌کنیم و امنیت ملی، حفظ منافع یک ملت و دفاع از ارزش‌های او، بر اساس قدرت به دست می‌آید. ما قوی شدن را مسیر خود قرار داده‌ایم و در این مسیر به دستاوردهای بزرگی رسیده‌ایم | صفحه ۶

یادداشت سردبیر

غلامرضا صادقیان

دولت الان نباید فوت وقت کند

موضع رهبر انقلاب درباره مذاکره با امریکا با شفاف‌ترین عبارات و لغات و مضامین اعلام شد تا راه بر تفاسیر و تأویل‌ها بسته شود. با این حال اگرچه منطقی و عقلانی است که دولت نیز بدون اتلاف وقت همسو با این موضع رهبری، موضع‌گیری کند تا وحدت داخلی حفظ شود، می‌توان انتظار داشت که در اطراف دولت، مخالفت‌های ضمنی و حتی آشکار آغاز شود و حتی از پزشکیان بخواهند که استعفا کنند! هر چند در جایگاه کسی که هر روز تا صدها تحلیل و نوشته کوتاه و بلند فعالان سیاسی کشور را رصد می‌کند، حقیقتاً از اینکه طرفداران مذاکره با امریکا نگرانی‌های زیادی درباره موفقیت آن دارند، شوکه شده‌ام. این چیزی نیست که قبلاً آن را دیده باشیم. در گذشته فقط یک کلام می‌گفتند مذاکره والسلام! و اگر کسی مطالبه دلیل می‌کرد، او را متحجر و متعین، کاسب تحريم، بی‌توجه به واقعیت‌های جهان و سهل انگار مقابل رفاه مردم می‌دانستند و دهه‌انگ دیگر می‌زدند. حالا در احتیاط و ترس از نتیجه‌نگرفتن در مذاکره جدید، نوعی توجه به تجربیات گذشته دیده می‌شود که البته با هزینه‌ای گزاف به دست آمده است. دقیقاً کسانی که رقم‌های صدهامیلیارد دلاری برای خسارت تحریم محاسبه و آن را به گردن حکومت که زیربار توافق با امریکا ترفته است، می‌اندازند، باید برای این خسارت حتی اگر واقعی باشد، متهم دیگری پیدا کنند و آن کسانی هستند که اکنون به تجربه دریافته‌اند ممکن است این بار هم مذاکره نتیجه ندهد. اگر در دهه ۹۰ همین هشیاری، مبدأ و منبع اتحاد کامل دولت و ملت و مخالفان و موافقان می‌شد، کار اصولاً به اینجاها نمی‌کشید. توهم است که گمان کنیم تا دودستگی و اختلاف در مسئله مذاکره با امریکا در کشور دیده شود، امریکا و غرب از تحریم‌های خود دست می‌کشند.

نز دیک به دو دهه تا کنтік‌هایی همچون دیدار رودر رو با رئیس‌ان جمهور امریکا و مذاکره مستقیم و «بدهیم برود تا خلاص شویم» در دولت‌های هر دو جناح طرفدارانی داشته است. دولت دهم می‌خواست چنین کند و توهمی داشت که می‌تواند با یک دیدار و با تکیه بر توان شخصی و فراطبیعی رئیس‌جمهور کار را یکسر کند! دولت‌های یازدهم و دوازدهم نیز چنین خواستند و از بستن قرارداد تا پارشدنش به دست رئیس‌جمهور امریکا نجره شد. در دولت سیزدهم هیچ‌گاه مذاکره نفی نشد. و دولت چهاردهم دوباره علم آن را برافراشت. رهبری گفتند که دلیل مابرای هوشمند و عقلانی و شرافتمندنبودن مذاکره با امریکا، «تجربه» است. نمی‌توان انکار کرد که شواهد و تجربیات ناموفق بودن مذاکره با امریکا به حد کافی در دسترس است. اکنون باید موافقان مذاکره دلیل خود را بیاورند. می‌دانیم که طرفداران مذاکره عموماً از دسته‌ای هستند که نظر به‌های خود را موقوف به تجربیات می‌کنند و همین تجربی‌بودن را دلیل علمی‌بودن می‌گیرند. رهبری گفتند که تجربه، به دلیل شما چیست؟ باید برخی می‌گویند دلیل ما آن است که حماس هم تقاضای مذاکره با امریکا داده است، یا تجربه مذاکرات چهار دهه پیش با صدام را داریم یا امام‌حسین هم برادرش را فرستاد با لشکر عمر سعد مذاکره کند. آخر این‌ها هم شد دلیل؟! ایشان ما با صدام هویتی نبود اما مسئله ما با امریکا هویتی است. حماس هم با امریکا بر سرر هویت و دین و فرهنگ خود مذاکره نمی‌کند. مسئله پیشنهاد حماس برای مذاکره با امریکا خاک فلسطین و غزه است. درباره مذاکره صدر اسلام نیز هر چند طرفداران مذاکره برای هیچ‌چیز به آن زمان مراجعه نمی‌کنند و هر راجع‌دهنده‌ای را تکفیری و متحجر می‌نامند اما دریغ ندارند که فلان حرکت صدر اسلام را به نفع نظر به‌های خود مصادره کنند. از ایشان باید پرسید بر فرض که فهم شما از آن حرکت امام در صدر اسلام را درست ارزیابی کنید، آیا حاضرید در صورت نپذیرفتن شروط شما از طرف امریکا همچون حسین علیه‌السلام آن گونه بچنگید و دنیای خود را کامل از دست بدهید؟!

اگر سؤال کنیم چه تضمینی برای موفقیت مذاکره دارید، خواهند گفت چاره دیگری نداریم. باز هم در مقام مقایسه‌های نادرست مثال چین و باقی قدرت‌های نو ظهور را می‌زنند که با تسلیم یا مذاکره با امریکا رشد کردند. این دروغی محض است. هرجا استقلال و رشدی هست با مقاومت است. هرجا مقاومت نتیجه ندهد، دلپیش فقدان وحدت داخلی یا سستی اندیشه و عمل رهبران و مدیران ارشد بوده است. اگر مذاکره کردیم و چیزی به دست نیاوریم، طرفداران مذاکره هرگز به «شکست تجربه‌شده» اعتراف نمی‌کنند و دوباره می‌گردند تا ببینند کجا ششکاری روی موشکی نوشته شده یا پرچمی روی زمینی افتاده است. تا آن برهانه شکست کنند! اصولاً در غرب و امریکا از این احترام‌ها به پرچم و هویت اخلاقی خبری نیست. هویت می‌اندیشد، شما با صاحبان شرها و افروختن‌های جهان نمی‌توانید جز آنکه بار شستر آنها را پسر کنید، به توافق برسید. ملت توان دیگری برای تجربه شکست تازه شما را ندارد.